



انسان آرمانی

«عاجل»

مؤلف:
حسن رضا زاده رودکلی

دیر بازنشسته آموزش و پرورش رشت

ردیف کتاب: ۸۲۲۱
نویسنده: حسن رضا زاده رودکلی
موضوع: روانشناسی
تاریخ: ۱۳۸۲
مکان: رشت
تعداد صفحات: ۱۰۰
قیمت: ۵۰۰۰۰
شابک: ۹۶۴-۵۲۷-۷۰۰-۹۸۷

سرشناسه	: رضازاده رودکلی، حسن، ۱۳۳۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: انسان آرمانی "کامل" / مؤلف حسن رضازاده رودکلی.
مشخصات نشر	: رشت: سپیدرود، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۳۸۱ ص.
شابک	: ۶۰۰۰۰ ریال ۷-۶۹-۷۳۳۵-۶۰۰-۹۷۸:
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۳۷۷.
موضوع	: انسان (عرفان)
موضوع	: * (Man (Mysticism
موضوع	: انسان (اسلام)
موضوع	: Theological anthropology -- Islam
موضوع	: انسان (اسلام) -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: Theological anthropology -- Islam -- Qur'anic teaching
رده بندی کنگره	: ۲۳۷/۲۸۷
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۸۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۱۵۹۳۵



نشر
سپیدرود

انسان آرمانی «کامل»
نویسنده: حسن رضازاده رودکلی

ناشر: سپیدرود

ویراستار ادبی فارسی: استاد سیدرضا کوچصفهانی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۱۰۰

طرح روی جلد: فرهاد وارسته

حروفچینی و صفحه‌آرایی: هنر و اندیشه

چاپخانه: لاله

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

شابک: ۷-۶۹-۷۳۳۵-۶۰۰-۹۷۸

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	پیش‌گفتار.....
۱۹	توحید!.....
۲۱	نبوت!.....
۲۲	ولایت!.....
۲۳	بشر.....
۲۷	واژه انسان.....
۳۳	انسان آرمانی «کمال».....
۳۹	مراتب خلقت انسان:.....
۴۱	حقیقت انسان.....
۴۶	اهداف خلقت انسان.....
۵۹	انسان در اسلام.....
۶۸	خدا و انسان.....
۷۳	مراد از کمال انسانی.....
۷۵	انسان کامل.....
۹۱	عوامل خارجی کمال انسانی.....
۱۰۷	عوامل داخلی کمال انسانی.....
۱۱۵	انسان کامل از دیدگاهی دیگر.....
۱۲۱	انسان کامل از منظر اندیشمندان.....
۱۳۵	کمال انسان از نظر عرفان.....
۱۴۴	اندیشه عرفا.....
۱۵۷	ویژگی‌های انسان کامل آرمانی در عرفان فارسی.....
۱۶۴	انسان در جلوه‌گاه مثنوی معنوی.....
۱۷۳	انسان در بعضی از مکاتیب.....
۱۷۸	انسان و ابعاد شخصیت او.....
۱۸۶	انسان کامل قطب زمان و حجت خدائی.....

۱۸۹.....	انسان خلیفه الله:
۲۰۰.....	حقیقت انسان کامل [ولی الله]
۲۰۳.....	انسان کامل و اخلاص
۲۱۹.....	انسان کامل و شکر
۲۳۹.....	انسان کامل و تفکر
۲۴۷.....	«آلاء چیست؟»
۲۵۲.....	انسان کامل و عبادت
۲۶۵.....	انسان کامل و عدالت
۲۶۹.....	انسان کامل و صبر و استقامت
۲۷۲.....	انسان کامل و صداقت
۲۷۹.....	انسان کامل مظهر امت خداوندی
۲۸۳.....	انسان کامل و قلب سلیم «د»
۳۰۰.....	انسان کامل و معرفت نفس
۳۱۲.....	انسان کامل و علو همت
۳۱۷.....	انسان کامل (ادب - حریت - حیا - ساده روی - حکمت)
۳۲۵.....	کرامت انسان
۳۳۶.....	انسان کامل و فقر
۳۴۰.....	انسان کامل و توکل
۳۴۲.....	خودشناسی برای خودسازی
۳۵۲.....	سیر انسان از تاریکی ها به سوی نور
۳۵۶.....	چهار زندان انسان
۳۵۸.....	آدم ابوالبشر
۳۶۷.....	خاتمه
۳۶۸.....	نمایه
۳۷۷.....	منابع و مأخذ

ییا ساقی! آن می که جان پرور است چو آب روان، تشنه را در خور است
درین غم که از تشنگی سوختم به من ده که می خوردن آموختم

«نظامی گنجوی - شرفنامه»

بسمه تعالی

پیش گفتار

الحمد لله المتجلي لخلق بخلق، والظاهر لقلوبهم حجة...
یعنی: (سپاس خدایی را سزااست که به سبب حقایق و آفرینشی که فرمود، دلیل ربوبیت خود را به خلایق آشکار نموده، و به حجت بر برهان خورشید آشار قدرت را نزد دلپایان ظاهر و نمایان ساخته است...)^۱
اساس آفرینش، مبتنی بر صفات فعلی کمالیه باری تعالی است، نه صرف جمالی آن بر صفت جلالی تقدم داشته، و در صفت جمالی، تمام زیباییها، در رأس آن عشق جلوه گری دارد.
آفرینش عالم، آئینه جمال حق است، پس اساس آفرینش و پیدایش جهان، عشق حق است که در آئینه صور اشیاء تلالو دارد.

«عشق در آفرینش»

عشق است که عاشق و معشوق را پدید می‌آورد - اگر عشق نباشد، عاشقی و معشوقی معنا ندارد. ذات حق آن شاهد حجله غیب که پیش از آفرینش جهان، خود هم معشوق بود و هم عاشق که در آیه ۵۴ مائده فرموده: [يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ. یعنی (خدا ایشان را دوست دارد و ایشان خدا را دوست دارند)].

خالق هستی، اراده فرمود تا جمال خویش را آشکار سازد، بدین منظور آفرینش را آینه جلالتش گردانید. بدین تعبیر آفرینش و پیدایش جهان، عشق حق به جمال خویش و به بهر جمال خویش است، در حقیقت خدا یک معشوق است، معشوق خویشتن خود بیشتر از معشوق همه آفرینش. - آفرینش وسیله ظهور حق، و زمینه معرفت و عشق خلق به آن معشوق حقیقی است.

همین عشق حق به جمال خویش، عامل تجلی وی، و در نتیجه عامل پیدایش جهان و عالم هستی است.

عشق نیز همانند وجود، از ذات حق به عالم سرایت کرده و از طرف دیگر هر معلولی هم عاشق علت خویش است. آری، وجود مطلق خداوندی برای اظهار کمالات علمیه و عینیه خود، خود را بر هر دو عرضه کرد، یعنی صفات خود را بر ذات خود و ذات خود را بر صفات خود عرضه فرمود، در هر دو مرتبه معشوقی و عاشقی، نور تجلی جمال خود را بر نظر خود جلوه داد. از خاصیت جلوه آن نور، آوازه عاشقی و معشوقی آشکارا شد و کمالات علمیه و عینیه حق به هم آراسته گشت.^۱

خداوند که خود عاشق و هم معشوق است بسا، گنج مخفی و دل آرای شاهدهی، در حجله غیب بود. لیکن نتوانست در آن سرای غیب بماند، فلذا اراده ازلی حق تعلق گرفت تا خیمه به صحرای وجود زند و همه جا خود را نشان دهد.

در احادیث مکرر عرفانی آمده که حضرت داود نبی (ع) در یکی از مناجات خود عرض می‌کند: [یا رب، لماذا خلقت الخلق؟ یعنی: (ای پروردگار عالمیان، چرا مخلوقات عالم را خلق کردی؟)] - خطابی از حق تعالی رسید مبنی بر اینکه: [كنت كنزاً مخفياً، فاحببت أن أعرف، فخلقت الخلق لكي أعرف. یعنی (من گنجی پنهان بودم؛ دوست داشتم که کمال عظمت مرا بدانند، فلذا خلق کردم تا شناخته شوم).

حدیث کنت کنزاً را فرو خوان
که تا پیدا بینی گنج پنهان
جهان را سر به سر آئینه‌ای دان
به هر یک ذره در وی مهر تابان
به زیر پرده‌ای هر ذره پنهان
جمال جانفزای روی جانان.^۱
این حدیث از دیدگاه مکتب عرفان، بیانگر هدف غایی و فلسفه آفرینش خداوندی است.

خوب است، برای تأیید آن به یکی از آیات قرآنی اشاره‌ای گردد چنان که در سوره طلاق در آیه ۱۲ آن فرموده: *إِنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ سَمَواتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مَثَلُهُنَّ، يَتَنَزَّلُ الْأَمْرَ بَيْنَهُنَّ لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً* (خداوند) همان کسی است که هفت آسمان را آفریده است و از زمین نیز همانند آن را - فرمان و پیوسته در میان آنها نازل شد تا بدانید که خداوند بر همه چیز توانا است و خداوند بر هر چیز احاطه علمی دارد.]]

در این آیه هدف آفرینش معرفت انسان به «قدرت مطلق» و «علم مطلق» الهی بیان شده که هر دو سبقت ذات نامتناهی حق تعالی است. از این رو، غرض آفرینش، که کمال مخلوق با آن تأمین می‌شود، معرفت حق تعالی است و انسان که مخاطب اصلی دعوت به معرفت مطلق و شناخت مطلق است، سهم مؤثری در تحقق این هدف دارد.

اراده خداوندی جهت شناسایی خود معرفت خلاق، چنین تجلّی یافت که: *[فَتَجَلَّى مِنْ ذَاتِهِ بِذَاتِهِ فِي ذَاتِهِ لَذَاتِهِ]* یعنی (تجلّی کرد از ذات خود به ذات خود، در ذات خود برای ذات خود).^۲ - مولانا می‌فرماید:

«گنج مخفی بد، زپری چاک کرد
خاک را ره من تر از افلاک کرد»

و یا عبدالرحمن جامی در یوسف و زلیخای خود می‌فرماید:
در آن خلوت که هستی بی‌نشان بود
به گنج نیستی، عالم پنهان بود
جمال مطلق از قید مظاهر
به نور خویش بر خویش ظاهر
نوای دلبری با خویش می‌ساخت
قمار عاشقی، با خویش می‌باخت
برون زد خیمه، ز اقلیم تقدس
تجلّی کرد بر آفاق و انفس

۱- ص ۳۱ رساله وجودیه مرحوم استاد محمد خواجوی (محقق)

۲- ص ۲۱ اضافة الاشرافیه فی شرح قصیده ابدانیه